

## بررسی و تحلیل عنوان کتاب‌ها و سروده‌های مهدی اخوان ثالث

علی محمدی

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینای همدان

طاهره قاسمی دورآبادی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی سینای همدان

(از ۷۷ تا ۹۲)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۸/۱۲، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۶/۳۱

### چکیده

عنوان اثر، نامی است که از سوی پدیدآورنده یا ناقد اثر بدان داده می‌شود. اهمیت عنوان، تنها از آن روی نیست که اثر را شناسنامه‌دار و از سایر عنوان‌ها متمایز می‌کند، بلکه می‌تواند دال بر کیفیت و اهمیت اثر از نظر بافت و ساخت نیز باشد. عنوان، نخستین نشانه‌ای است که خواننده با آن مواجه می‌شود و از آنجا که بین عنوان و متن، ارتباط معناداری (بین ساختار و مفهوم) وجود دارد، خواننده از آن می‌تواند به محتوا و دیگر امکانات رسانه‌ای متن احاطه یابد. بررسی عنوان سروده‌های اخوان ثالث، خواه نام کلی اثر و خواه نام‌گذاری سروده‌ها، یکی دیگر از ابزارهایی است که می‌توان برای فهم و خوانش سروده‌های وی به‌کاربرد. بدین‌روی، باتوجه‌به عنوان هم می‌توان به محتوای سروده‌ها پی‌برد و هم سیر فکری و روحی شاعر را تا اندازه‌ای بررسی کرد. برای این کار از شیوه تحلیل محتوا استفاده شد که یکی از روش تحقیق‌های مطرح در حوزه علوم انسانی است. همچنین از آمارگیری به‌منظور تدارک سند برای ایجاد طبقه‌بندی‌ها بهره گرفته شده است.

**واژه‌های کلیدی:** مهدی اخوان ثالث، شعر معاصر، عنوان سروده‌ها، بسامد، تحلیل شعر.

## ۱. مقدمه

هر کتاب و مجموعه شعری از عنوان آغاز می‌شود. از نامی که شاعر و نویسنده برای کتاب و دفتر شعر خود انتخاب می‌کند، می‌توان به ذهن شاعر و نویسنده پی‌برد. نویسندگان و شاعران آثارشان را نام‌گذاری می‌کنند تا به واسطه آن اثرشان در میان آثار دیگر متمایز و مشخص شود و مخاطبان نیز آن اثر را به نام خالق آن بشناسند. می‌توانیم بگوییم که کتاب‌ها همیشه عنوان داشته‌اند و این دلیل اهمیت عنوان است. اهمیت عنوان تنها از آن روی نیست که اثر را شناسنامه‌دار و از سایر عنوان‌ها متمایز می‌کند، بلکه می‌تواند دال بر کیفیت و اهمیت اثر از نظر بافت و ساخت نیز باشد. عنوان، نخستین علامتی است که خواننده با آن مواجه می‌شود و از آنجا که بین عنوان و متن، ارتباط معناداری وجود دارد، خواننده از آن می‌تواند به موضوع متن احاطه یابد. عنوان به‌مثابه مدخلی مهم است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ چراکه بدون تردید خواننده می‌تواند از طریق آن به عالم متن وارد شود و از آن برای فهم متن کمک گیرد» (رحیم، ۲۰۱۰: ۳۲۳). گاهی عنوان، برجسته‌ترین قسمت یک متن است و پیام و هدف و غایت سخن‌گوینده متن است که با انتخابش به نام عنوان، پیام و سخن اصلی نویسنده را برجسته کرده است.

آثار مکتوبی که از سده چهارم هجری برجای‌مانده است، نشان می‌دهند که نخستین کتاب‌های زبان فارسی نیز عنوان داشته‌اند. باوجوداین، از آنجا که اشعار شاعران در یک مجموعه تحت عنوان «دیوان» تهیه می‌شدند، شاعران شعرهای خود را نام‌گذاری نمی‌کردند. اگر گاهی شعری نام‌گذاری می‌شد، این شاعر نبود که عنوان آن را تعیین می‌کرد، بلکه ناسخان به این کار می‌پرداختند یا اینکه خوانندگان، تذکره‌نویسان، ناقدان و مؤلفان آن عنوان را به شعر او می‌دادند، اما توجه به عنوان به‌طور گسترده، تقریباً از دوران بازگشت ادبی آغاز شد و از دوره مشروطه تا به امروز، این روند همچنان ادامه دارد.

از دوره مشروطه که ارتباط ایرانیان با دنیای غرب آغاز شد، شاعران ایران با آثار شاعران اروپایی آشنا شدند و سروده‌هایشان، تحت‌تأثیر آنان عنوان‌دار شد و این در شعر

نو بیشتر مشهود است. نیما و بسیاری دیگر از شاعرانی که شعر نو می‌سرودند، با زبان‌های اروپایی، از جمله فرانسوی، آلمانی و انگلیسی آشنایی داشتند؛ برای نمونه، نیما زبان فرانسه می‌دانست یا شاملو تحت‌تأثیر پل الوار (Paul Éluard) و لویی آراگون (Louis Aragon)، از شاعران مقاومت فرانسه بوده است. برخی شاعران حتی نام مجموعه‌هایشان را از بیگانگان تقلید کرده‌اند؛ برای مثال، عنوان «آیدا در آینه» یادآور «الیزه در آینه» آراگون است (ر.ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۷۸).

این پژوهش برای پاسخ به این پرسش‌ها انجام شده است؛ با توجه به فرآیند تحلیل محتوا، چه رابطه‌ای بین عنوان یک اثر یا شعر و ساختار آن وجود دارد؟ و براساس این پرسش، رابطه بین عنوان سروده‌های اخوان ثالث و متن آنها چگونه و به چه کیفیتی است؟ در ادامه به منظور تکمیل فرآیند پژوهش، فرضیه‌هایی نیز برای پاسخ به این پرسش‌ها در نظر گرفته شد که از این قرارند: تحلیل عنوان‌های آثار و سروده‌های اخوان ثالث، ضمن روشن کردن سویه‌هایی از اندیشه‌اش تا اندازه‌ای یاریگر مخاطب برای فهم بهتر آثار اوست. به علاوه آثار میانی اخوان ثالث، مانند زمستان ۰۰۰، در عنوان‌های کلی و جزئی، بیشترین موضوعات سیاسی را به خود اختصاص داده است.

پژوهش درباره ماهیت و کاربرد عنوان در اثر ادبی، مورد توجه غربی‌ها قرار گرفته است و آنان نخستین کسانی هستند که به این موضوع پرداخته‌اند؛ ژراژ ژنت (Gérard Genette) در کتاب *زمینه‌ها* (۱۹۸۷)، پژوهش کاملی درباره آستان‌های متن یا درگاه‌های ورود به متن انجام داده که جزء اصلی‌ترین و کامل‌ترین منابع ارجاعی پژوهشگران در عنوان‌شناسی است. در جهان عرب نیز کتاب‌ها و مقاله‌های زیادی درباره عنوان نوشته شده است؛ از جمله کتابی با نام *العنوان فی الشعر العربی النشأة و التطور* (۱۹۹۸ م)، نوشته محمد عویس که تاریخچه عنوان را از آغاز پیدایش تا عصر حاضر بررسی و سپس درباره عنوان چند قصیده بحث کرده است. کتاب دیگری با نام *الشعر العربی الحدیث دراسة فی المنجز النصی* (۱۹۹۸ م)، تألیف رشید یحیوی، نقش عنوان در متن و نیز رابطه این دو را با هم بررسی کرده و سپس چند عنوان شعر از شاعران برجسته عرب را مثال آورده است. کتاب *لسانیات النص نحو منهج لتحلیل الخطاب الشعری* (۲۰۰۹ م)، نوشته احمد

مداس نیز از جمله کتاب‌هایی است که در قسمتی از آن، عنوان بررسی شده است. در حوزه زبان و ادب فارسی می‌توان گفت پژوهش مستقلی در قالب کتاب و پایان‌نامه در این زمینه انجام نشده است؛ البته پایان‌نامه‌ای با نام «بررسی دلالت عنوان در شعر شش شاعر فارسی و عربی معاصر؛ نیما، شاملو، شفیعی، سیاب، مقالح و درویش» (بخیت، ۱۳۹۲) در دانشگاه تربیت مدرس به صورت تطبیقی نوشته شده است. مقاله‌ای نیز با نام «بررسی و تحلیل نام‌های اشعار قیصر امین‌پور» (گرچی، ۱۳۸۸)، عنوان‌های اشعار امین‌پور را تحلیل کرده است. همچنین شفیعی‌کدکنی در کتاب *زمینه اجتماعی شعر فارسی* (۱۳۸۶) مقاله‌ای دارد که اشعار معاصر عرب را با این رویکرد بررسی کرده است. در هر حال، درباره عنوان کتاب‌ها و شعرهای مهدی اخوان ثالث مطلبی نوشته نشده و تلاش نویسندگان این مقاله این است که به این موضوع بپردازند.

## ۲. عنوان در لغت و اصطلاح

آغاز دفتر و کتاب؛ دیباچه؛ آغازنامه و سرنامه... (معین، ۱۳۷۷: ذیل عنوان)؛ آنچه موجب شناسایی چیزی یا کسی شود؛ واژه یا واژگانی که بر روی جلد کتاب، مقاله، روزنامه یا در آغاز هریک از فصل‌ها و بخش‌های آن معمولاً با حروف بزرگ درج شود و نشانگر موضوع و محتوای مطالب آنها باشد و نیز آنچه در آغاز نامه یا در پشت پاکت حاوی نامه نویسنده (انوری، ۱۳۸۱، ج ۷: ذیل عنوان)، از معانی لغوی عنوان است.

زبان، جهان بیرونی را در قالب اسامی و واژگان شکل می‌دهد. هر زبانی ویژگی خاصی در نام‌گذاری دارد. در این بین، عنوان نشانه زبانی است که در رأس متن قرار می‌گیرد و به آن چارچوب می‌دهد و خواننده را برای خواندن آن جذب می‌کند (رحیم، ۲۰۱۰: ۳۲۲). از دیدگاه چاک فونتانی (Chuck Fontane)، عنوان در کنار سایر نشانه‌ها، جزء بخش‌های شاخص متن است که نه تنها باید روی جلد ظاهر شود و با متن همسان باشد، بلکه یکی از شیوه‌های ارتقاء متن محسوب می‌شود (کام‌پروبی، ۲۰۰۲: ۵). از نظر فری (ferry) عنوان، واژگانی هستند که بالای متن شعر قرار دارند و جزء نخستین واژه‌های متن هستند که نوشته می‌شوند (۱۹۹۰: ۱). عنوان مورد توجه نشانه‌شناسان نیز

قرار گرفته است؛ زیرا بزرگ‌ترین دلالت زبانی را در خود دارد که مضمون متن را دربرمی‌گیرد. از نظر لیوهوک (Leo H.Hock) واضع علم عنوان‌شناسی، عنوان مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی متشکل از واژه‌ها و جمله‌هاست که جهت متن را مشخص و به محتوای کلی داستان و متن اشاره می‌نماید و مردم و مخاطبان را جذب می‌کند (۱۹۸۱: ۵).

### ۳. ارتباط عنوان و محتوای اشعار

شعر شاعران از زندگی و اندیشه‌های آنها جدا نیست. درحقیقت، نام‌گزینی شاعران برای دفتر اشعار و سروده‌هایشان، می‌تواند بیانگر گرایش‌ها و خطوط فکری آنها باشد. می‌توان از عنوان‌هایی که شاعر برای شعرهایش انتخاب می‌کند، به مضمون و محتوای آنها پی برد. شفیعی‌کدکنی می‌گوید: «هیچ ضرورتی ندارد که برای تحلیل ساحت‌های جمال شناسی یک شاعر، حتماً دیوان‌های او خوانده شود. می‌توان از روی نام کتاب‌ها، ذهنیت او را تحلیل کرد» (۱۳۸۶: ۴۴۲). این مطلب در دیوان شاعران سنتی نیز ذکر شده است؛ صائب می‌گوید:

مد احسان است بسم‌الله دیوان صبح را      ره به مضمون می‌توان بردن ز عنوان صبح را  
(۱۳۳۶: ۱۲۵)

عنوان در شعر برخی از شاعران که آن را ابزاری برای انتشار ایده‌هایشان قرار داده‌اند، می‌تواند بسیار محسوس و آشکار این مطلب را نشان دهد؛ مانند عنوان‌های شعری ابوالقاسم لاهوتی که برخی از عنوان‌های اشعار او بدین قرارند: ای میهن، انقلاب سرخ، کارگر و کارفرما، درس وفا، عشق و آزادی، آزادگی، لب‌های خاموش، دست‌های سازنده، تکیه‌گاه، جواب ظلم، زنده باد وطن ما... (لاهوته، ۱۳۵۸: ۴۴، ۴۶، ۴۹، ۷۲، ۷۴، ۸۵، ۸۶، ۸۸، ۸۹ و ۹۵)، در دیوان او عنوان‌هایی مانند نقد وفا، بهار بی‌خزان، همه می‌رقصند، دل را ببین و ... (همان: ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶ و ۱۰۹) نیز وجود دارد، ولی این تعداد عنوان بسامد بسیار کمی دارند.

نام‌گذاری‌های نیما یوشیج بیشتر از طبیعت گرفته شده است و این به علاقه شدید شاعر به زادگاهش، یوش و طبیعت زیبای آنجا برمی‌گردد؛ برای نمونه، در مجموعه شعر

ماخ/ولا، این عنوان‌ها وجود دارد: مهتاب، اجاق سرد، بر فراز دشت، جاده خاموش است، بر فراز دودهایی، در شب سرد زمستانی، مرغ شب آویز، قایق، داروگ، برف، و ... (یوشیج، ۱۳۷۶: ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۲، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۱ و ۱۹۶)، که اغلب عینی و محسوس و برگرفته از طبیعت هستند.

شعر نصرت رحمانی، محصول ناامیدی و سرخوردگی بعد از کودتاست؛ شعر دهه ۱۳۳۰ که شاعران در ناامیدی به‌سرمی‌بردند. لنگرودی درباره شعر این دوره می‌گوید: «شعر مسلط نیمه اول دهه سی (پس از کودتا)، شعری عصیانی، خودشکنانه، شهوت‌آلود، رمانتیک و عموماً سیاه شد... شعر، پناه شکست‌خوردگان و نومیدان و از راه‌ماندگان شده بود» (۱۳۷۰: ۲۰). نام‌گذاری کتاب‌های رحمانی هم متناسب با محتوای شعرهای اوست؛ مانند *خدا غم را آفرید، نصرت را آفرید، میعاد در لجن، کویر و...* (مجموعه اشعار: ۱۳۸۰). نام‌گذاری سروده‌هایش در *میعاد در لجن* نیز چنین است: تبعید در چنبر زنجیر، شب درد، عصر جمعه پاییز، نفرین شده و ... است. (۱۳۸۰: ۱۱۹، ۱۶۳، ۱۴۶ و ۱۸۴).

عنوان کتاب‌های فروغ فرخ‌زاد نیز بازتابی از زندگی خود اوست. او در کتاب‌های نخستین خود، *اسیر* (۱۳۷۷) و *دیوار* (۱۳۷۷)، در تنگناهای زیادی قرارداد؛ تنگنای قاعده‌ها و سنت‌هایی که زندگی و شعر او را فراگرفته است. سپس فروغ با *عصیان* (۱۳۷۷)، بر شیوه‌های پیشین و سنت‌ها می‌تازد. پس از آن، تجربه‌های نو در شعر و زندگی خود به‌دست‌می‌آورد؛ گویی متولد می‌شود و تولدی دیگر (۱۳۷۷)، را می‌آفریند. تولد دیگر او، هم به‌خاطر روی آوردن به زندگی جدید و پشت‌پازدن به بسیاری از رسوم و سنت‌های جامعه است و هم به‌خاطر سرودن شعر به روش نیمایی است.

سیر عنوان‌های شعر معاصر نشان‌دهنده این است که شاعران همواره نام‌هایی را برای اشعارشان برگزیده‌اند که بیش‌ترین آشنایی‌زدایی یا برجسته‌نمایی را دارد. اغلب شاعران درصددند که در نام‌گذاری آثار و اشعارشان تنوع ایجاد کنند؛ مثل عنوان شعری از رؤیا تفتی با نام «سرگرمی مرطوب»، شعر «ت» از یدالله رویایی (کریمیان، ۱۳۸۵: ۱۰۳، ۲۸۵)، عنوان شعرهای سهراب مانند «تا»، شعری با نام لاتین «bodhi»، «لولوی شیشه‌ها»، شعری که عنوانش «...» است (سپهری، ۱۳۷۶: ۲۳۲، ۱۳۹، ۱۰۰ و ۱۰۶).

#### ۴. نام‌گزینی در سروده‌های اخوان

در نام‌گذاری‌ها باید گفت که هر عنوان، یکی از جنبه‌های متن را نشان می‌دهد و از موارد دیگر صرف‌نظر می‌کند، درحالی‌که یک متن می‌تواند بر موضوع‌ها و جنبه‌های گوناگون دلالت کند. اگر عنوان بتواند پررنگ‌ترین و مهم‌ترین موضوع و جنبه را نشان دهد، نام‌گذاری به شیوه صحیح انجام شده است. اخوان نام شعرهایش را از نظر ساختاری به شیوه‌های مختلف انتخاب می‌کند:

۱. نام را از بند اول یا مصراع اول شعر می‌گیرد، همان‌طور که در گذشته در بیشتر موارد مطلع قصیده‌ها جای عنوان را می‌گرفت. این شیوه، مرسوم‌ترین روش نام‌گذاری از گذشته تا به امروز است و هنوز هم در شعر فارسی بیشترین کاربرد را دارد.

۲. عنوانی که آن را در متن چندین بار تکرار می‌کند؛ برای نمونه، اخوان در یکی از سروده‌هایش به نام «برف»، سیزده‌بار این واژه و سیزده‌بار هم ترکیب «برف می‌بارید» را به‌کار برده است. این شیوه نام‌گذاری، از شیوه‌های بسیار رایج است که هم اخوان و هم شاعران دیگر، آن را بسیار به‌کار برده‌اند. این تکرار نام شعر، تأکید بر کلیدی بودن آن است؛ البته اخوان هم گاهی از این روش نام‌گزینی عدول می‌کند. در یکی از سروده‌هایش سه‌بار ترکیب «باغ بی‌برگی» را به کار برده است، ولی نام شعرش را «باغ من» نهاده است که هیچ تشخیص و برجستگی ندارد. نصرت رحمانی نیز در شعری با نام «جاده جهنم»، نوزده‌بار واژه «رفتم» را تکرار می‌کند، بدون آنکه نام شعرش «رفتم» باشد. (رحمانی، ۱۳۸۰: ۱۷۴).

۳. عنوان شعر می‌تواند برجسته‌ترین و اصلی‌ترین پیام یک شعر باشد که شاعر بر آن تأکید می‌کند؛ پیامی که از همه برجسته‌تر است و هدف و منظور نویسنده در آن نهفته است؛ مانند شعر زیر با نام «الا، کی شود»:

اگر خیزد از شهر جانان نسیم / تنم را نوید روان آورد. دل بی نوا را نواها دهد / تن ناتوان را توان آورد. به سهراب خسته و گلاویز مرگ / همان نوشداروی جان آورد. به پیری حزین بوی پیراهنی / چو افسانه باستان آورد. به گم‌گشته‌ای در بیابان هجر / ز کوی حبیبان نشان آورد... مرا سوخت تند آفتاب فراق / بگویند تا سایبان آورد. الا، کی شود آن که روزی نسیم / غباری از آن آستان آورد (اخوان ثالث، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

۴. شاعر گاهی نام شعرش را انتخاب می‌کند، بدون اینکه به آسانی بتوان بین عنوان (دال) و متن (مدلول) ارتباطی پیدا کرد؛ این‌گونه نام‌گذاری در سروده‌های اخوان و نیز شاعران دیگر کمترین آمار را دارد. در عین حال، می‌توان گفت زیباترین شیوه نیز این نوع نام‌گذاری است؛ زیرا ذهن را برای یافتن ربط بین عنوان و متن به تلاش وامی‌دارد. در این نوع نام‌گذاری در مجموعه زمستان اخوان بسامد فراوانی دارد؛ مانند «مشعل خاموش»، «اندوه»، «داوری» و ... (۱۳۵۷: ۷۹، ۸۳ و ۱۰۹). در این نوع نام‌گذاری، ربط متن و عنوان آشکار نیست؛ مثل سروده‌ای که نامش «لحظه» است:

همه گویند که تو عاشق اویی / گرچه دانم همه کس عاشق اویند / لیک می‌ترسم، یارب! / نکند راست بگویند (اخوان ثالث، ۱۳۵۷: ۱۰۶).

۵. شاعران برای نام‌گذاری کتاب‌های شعر خود، اغلب نام یکی از شعرهای برجسته همان دفتر را برمی‌گزینند. اخوان هم اغلب نام کتاب‌هایش را از یکی از سروده‌های همان مجموعه انتخاب می‌کند؛ مانند «آخر شاه‌نامه» که نام یک قطعه از این کتاب است و خود این کار نوعی گزینش است.

## ۵. بررسی دفترهای شعر اخوان

### ۱-۵. بررسی ساختار عنوان‌ها

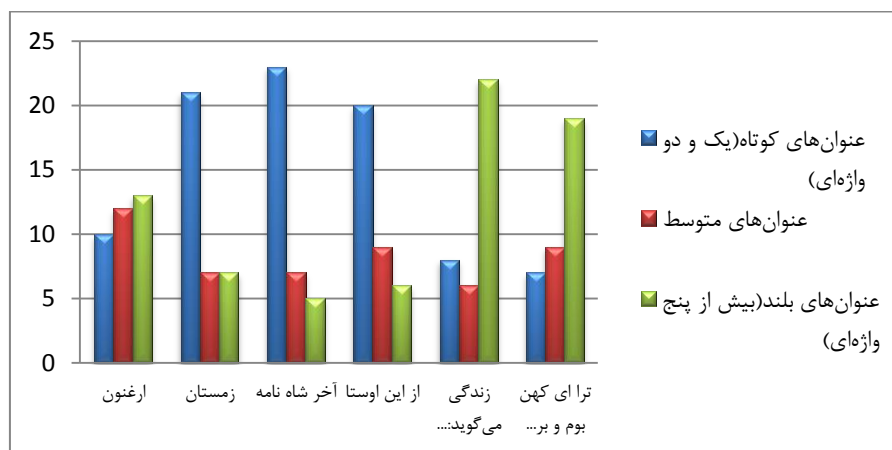
#### ۱-۱-۵. ترکیبی یا ساده بودن عنوان‌ها

اغلب واژه‌های تشکیل‌دهنده عنوان کتاب‌های اخوان را واژه‌گان ترکیبی تشکیل می‌دهند. شفیع‌ی کدکنی در این باره می‌گوید:

«در شعر معاصر فارسی، نام تمام مجموعه‌های شعر فریدون توللی، همه از یک کلمه تشکیل شده است: «رها»، «نافه»، «پویه»، «شگرف» و این خود نشان می‌دهد که بوطیقای او از آن بوطیقاهاست که کلمه را مجرد از بافت نحوی آن موردنظر دارد و به تنهایی بدان می‌نگرد ...؛ برعکس شاملو و اخوان که کلمه را در ترکیب می‌نگرند و «آخر شاه‌نامه» و «از این اوستا» و «پاییز در زندان» یا «باغ آینه» و «هوای تازه» و «آیدا: درخت و خنجر و خاطره» و ... نام کتاب‌هایشان است» (۱۳۸۶: ۴۴۲).



اخوان در عنوان‌های فرعی نیز واژه‌های ترکیبی را بیشتر به کار برده است، جز در سه مجموعه زمستان (۱۳۵۷)، آخر شاه‌نامه (۱۳۸۳) و از این اوستا (۱۳۶۰) که کمترین واژه‌های ترکیبی را دارند. نمودار آن به این صورت است:

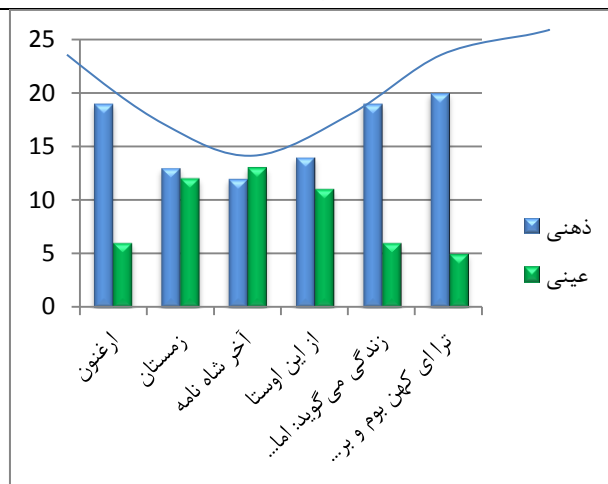


با دسته‌بندی عنوان‌های شعری اخوان به عنوان‌های بلند، عنوان‌های متوسط و عنوان‌های کوتاه، به این نتیجه می‌رسیم که عنوان‌های سه دفتر شعر اخوان؛ یعنی زمستان، آخر شاه‌نامه و از این اوستا شباهت بسیاری با هم دارند؛ نام‌های این سه دفتر، بیش‌تر یک واژه‌ای و کوتاه‌اند. اخوان در نام‌گذاری این کتاب‌ها، بیش‌ترین دقت را دارد. اغلب عنوان‌های این سه دفتر، رمزی و نمادین، قابل تأویل و هنری‌اند و ابهام دارند و اغلب، مدلول‌های زیادی را می‌توان برای آنها در نظر گرفت، در صورتی که عنوان مجموعه‌های در حیات کوچک پاییز در زندان (۱۳۶۹)، زندگی می‌گوید... (۱۳۵۷) و ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم (۱۳۷۶)، بلندند و حتی گاهی به صورت جمله و گزارشی و صریح‌اند، هیچ‌گونه ابهامی ندارند و اغلب در خود متن هم تکرار شده‌اند. این عنوان‌ها را نمی‌توان تأویل و تفسیر کرد؛ برای نمونه، درباره زندگی می‌گوید: /ما...، خود اخوان چنین بیان کرده است: «می‌بینید که اسم آن منظومه هم مثل خودش بلند و با طول و تفصیل است» (اخوان ثالث، ۱۳۶۹: ۲۳۷). به همین دلیل، برای این مجموعه نامی متفاوت‌تر از بقیه دفترها برگزیده است؛ چون محتوای کتاب‌ها هم به تبع عنوان‌ها تغییر کرده است. در حقیقت، همان‌گونه که بسیاری از منتقدان گفته‌اند، اوج هنر شاعری اخوان در

سه کتاب زمستان، از این اوستا و آخر شاهنامه است که با مروری بر عنوان‌های شعری او، می‌توان متوجه شد که در نام‌گذاری نیز در اوج است. افول شاعری اخوان را در کتاب‌های آخر او، چون ترا ای کهن بوم و بر دوست می‌دارم، می‌توان دریافت. درحقیقت، سیر فکری این شاعر را می‌توان با بلندی و کوتاهی عنوان‌های شعریش نشان داد. اخوان در کتاب‌هایی که بیشترین عنوان‌های بلند را دارد، کمتر شعرهای زیبا و شاعرانه دارد. شعرهای ناب اخوان، تقریباً عنوان‌های کوتاه دارند.

#### ۵-۱-۲. ذهنی و عینی بودن عنوان‌ها

زمانی که عنوان‌های مجموعه شعری را بررسی و گرایش شاعر را در به‌کاربردن نام‌های «عینی و محسوس» یا «ذهنی و انتزاعی» محاسبه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که نام‌هایی که عینی و محسوس هستند، گرایش شاعر و توجه او را به طبیعت و دنیای بیرون نشان می‌دهند که از نظر مکتب‌های هنری، گویای گرایش وی به رئالیست<sup>۱</sup> (Realisme) است. هرچه این عنوان‌ها ذهنی باشند، گرایش شاعر معطوف به درون و دنیای درون است. در این صورت، از نظر مکتب‌های هنری، در زمره سورئالیست‌ها<sup>۲</sup> (Surrealisme) و رمانتیست‌ها<sup>۳</sup> (Romantisme)، قرار می‌گیرد. درباره عنوان این دفترها باید گفت که اخوان عنوان‌های ذهنی و اسم معنی را بیشتر به‌کار برده است و عنوان‌های عینی و اسم ذات در عنوان‌های شعری او، کمترین بسامد را دارند. به‌طور کلی باید گفت که اخوان در سه مجموعه زمستان، آخر شاهنامه و از این اوستا، از عنوان‌های محسوس و عینی بیشتر بهره برده است؛ چون اغلب برگرفته از طبیعت هستند، اما در دیگر آثارش از عنوان‌های انتزاعی بسیار استفاده کرده است.



اگر کل عنوان‌های شعری اخوان را بررسی کنیم، درمی‌یابیم که عنوان‌های شعری او بیشتر انتزاعی هستند تا عینی. درحقیقت، اخوان شاعری است درون‌گرا؛ این درون‌گرایی وی دلایل زیادی به شرح ذیل دارد که برخی از آنها فردی و برخی اجتماعی هستند:

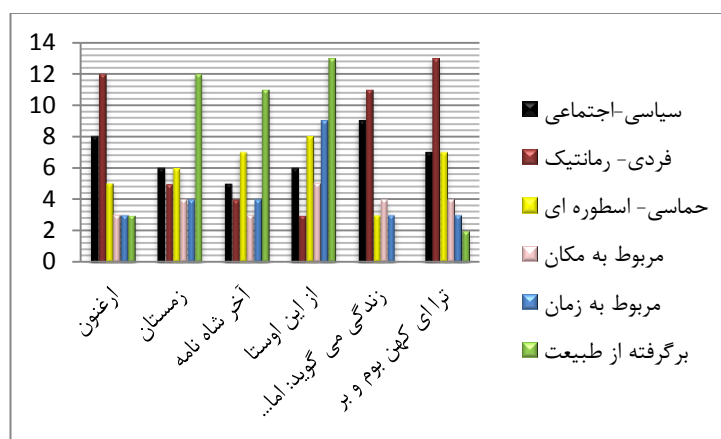
الف: دلایل فردی مانند فقر که همیشه در حیات اخوان دامن‌گیر او بود؛ فقر و نداری، مهم‌ترین خصلت زندگی اخوان است (محمدی‌آملی، ۱۳۸۰: ۷۹). همچنین می‌توان شکست عشقی در جوانی، اعتیاد و بیماری، حبس، مهاجرت، بیکاری، مرگ فرزند و دیگر اعضای خانواده و دوستان را از عوامل درون‌گرا شدن او دانست.

ب: دلایل اجتماعی: مهم‌ترین دلیل درون‌گرا شدن اخوان و بسیاری از شاعران معاصر او، کودتای ۲۸ مرداد است که پیامدهایی چون تنگ و بسته و خاموش شدن محیط، از بین رفتن آزادی قلم و بیان، نابودی آرمان‌ها، تجربه‌های تلخ و پراکندگی یاران و هم‌فکران، بی‌وفایی‌های بسیار و ... را در پی داشت (یوسفی، ۱۳۶۹: ۷۳۵).

#### ۵-۲. بررسی موضوعی عنوان‌ها

عنوان کتاب‌های اخوان را می‌توان به شش دسته تقسیم کرد: ۱. عنوان‌های فردی و رمانتیک، ۲. عنوان‌های سیاسی- اجتماعی، ۳. عنوان‌های حماسی- اسطوره‌ای، ۴. عنوان‌های برگرفته از طبیعت، ۵. عنوان‌های مربوط به زمان و ۶. عنوان‌های برگرفته از

مکان. ما در این پژوهش همه کتاب‌ها را به همین شیوه دسته‌بندی کردیم که حاصل آن به صورت نمودار ذیل درآمد:



#### ۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌طور که نمودار نشان می‌دهد، بسامد عنوان‌های فردی و رمانتیک در *ارغنون* (۱۳۸۳)، *زندگی می‌گویند: اما...* (۱۳۵۷) و *ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم* (۱۳۷۶)، بیشتر است. دلیلی که می‌توان برای این در نظر گرفت، این است که اخوان در مجموعه *ارغنون*، به دنیای سیاست وارد نشده است و در این مجموعه بیشتر به خود و دنیای خود می‌پردازد. در حقیقت بسامد عنوان‌های فردی و رمانتیک با تمام موضوع‌های فرعی آن؛ مثل عشق، شادکامی، سرور، اندوه، درد، حسرت در *ارغنون* زیاد است. شفیعی کدکنی می‌گوید: «افکار شاعر در این مجموعه بر محور «عشق فردی» و «دردهای اجتماعی» می‌گردد» (۱۳۹۰: ۱۱۲). در *زندگی می‌گویند: اما...* و در مجموعه *ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم*، او باز به خود و دنیایش می‌پردازد؛ البته دیگر مانند *ارغنون*، عنوان‌های شعریش، عنوان‌های شاد و مفرحی نیستند، بلکه وصف پیری، شکایت از روزگار، حسرت، اندوه و ... عنوان‌های شاعر را تشکیل می‌دهند. در این دو مجموعه، دیگر نه سخن از عشق هست و نه شادکامی و نه سرمستی جوانی. بی‌گمان، سن شاعر و روحیه او در این موارد بسیار تأثیرگذار بوده است؛ مانند شیم پر هول فردا، لعنت پیری، پیری، قسم به آب که آتش گرفتیم، من این پاییز در زندان، شکست جام جوانیم، باز هم شبی سپری

شد، ... (۱۳۷۶: ۳۷، ۴۰، ۴۱، ۵۹، ۸۲، ۱۰۸، ...). در کتاب‌های بعدی، یعنی در زمستان (۱۳۵۷)، *آخر شاه‌نامه* (۱۳۸۳) و *از این اوستا* (۱۳۶۰)، این سیر برعکس می‌شود. شاعر کمترین عنوان‌های فردی را دارد؛ در این مجموعه‌ها، اخوان کمترین عنوان‌های شعریش را به خود و احوال خود اختصاص داده است

در تمام آثار اخوان، عنوان‌های سیاسی و اجتماعی وجود دارد. درحقیقت اخوان را می‌توان شاعری اجتماعی دانست که به اوضاع اجتماع خود، هیچ‌گاه بی‌توجه نبوده است. اخوان پیش از آنکه در ماجراهای سوزناک عشقی و گرفتاری‌های شخصی و خانوادگی گم شود، جریان‌های سیاسی زمانه جذبش می‌کند و به زندگی و شعرش معنا می‌بخشد (قرایی، ۱۳۷۰: ۱۱).

عنوان‌هایی که از طبیعت گرفته شده‌اند، به‌طور محسوسی در سه کتاب *زمستان*، *آخر شاه‌نامه* و *از این اوستا* بسامد فراوانی دارند و دلیل آن استفاده نمادین از عناصر طبیعت است. به نظر بسیاری از بزرگان و صاحب‌نظران، اخوان شاعری سیاسی است و رویدادهای سیاسی که در زندگی‌اش رخ داده است، بر شعر او تأثیر نهاده و باعث شده است که زبان وی نمادین شود. او بعد از کودتای ۲۸ مرداد، بیشتر درگیر مسایل سیاسی شد و به‌خاطر جو خفقان آن سال‌ها و ممیزی شدیدی که به‌ویژه بعد از این کودتا انجام گرفت، اندیشه‌های سیاسی اخوان در پوشش نماد و رمز پنهان شد؛ پس این عنوان‌ها نیز درحقیقت برای بیان مطالب و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی شاعر است که به علت تنگنای فضای سیاسی و اجتماعی و اقتضای زمانه به‌صورت مظاهر طبیعت جلوه یافته‌اند.

بسامد عنوان‌های اسطوره‌ای و تاریخی در همه کتاب‌های اخوان کم است؛ باین‌حال، اخوان در تمام آثارش، به عنوان‌های اسطوره‌ای پرداخته است؛ چون او به ایران قدیم و به تبع اسطوره‌ها و تاریخ بی‌توجه نبوده است. در کتاب *از این اوستا*، این بسامد بیشتر است؛ این کتاب، همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید، بیانگر اندیشه‌های ملی‌گرایانه شدیدی و عمیق اخوان است. دستغیب در این باره می‌گوید: «در بین شاعران معاصر، این مهدی

اخوان ثالث است که در کتاب *از این اوستا* پرچم این طرز فکر (گرایش به ایران قدیم) را به دوش می‌گیرد» (۱۳۵۴: ۲۸).

## ۷. نتیجه

شاعران نام شعرهایشان را با دقت و وسواس زیاد انتخاب می‌کنند. از آنجا که شعر شاعران انعکاس اندیشه‌ها و گرایش‌های آنهاست، با خواندن نام اشعارشان می‌توان خطوط فکریشان را بررسی کرد. عنوان‌هایی که شاعران کلاسیک برای شعرهایشان برگزیده‌اند، ساده و محسوس‌اند و هر چه به زمان حال نزدیک می‌شویم، این عنوان‌ها پیچیده‌تر و انتزاعی‌تر می‌شوند. درحقیقت شاعران معاصر به عنوان بیشتر اهمیت می‌دهند.

عنوان‌های اخوان بیشتر انتزاعی‌اند تا عینی که دلایل زیادی (شخصی و اجتماعی) را می‌توان برای آن برشمرد. عنوان‌های سه دفتر *زمستان*، *آخر شاه‌نامه* و *از این اوستا*، از لحاظ ساختار عناوین و محتوا و مفهوم نام‌ها بسیار به هم شبیه‌اند. نام‌های این سه دفتر، بیشتر یک‌هجایی و کوتاه‌اند، از طبیعت گرفته شده‌اند، ابهام دارند و رمزی و نمادین‌اند و اغلب، مدلول‌های زیادی را می‌توان برای آنها در نظر گرفت. ضمناً با دقت و وسواس بیشتری انتخاب شده و هنری و شاعرانه‌اند. درحقیقت، همان‌گونه که همه صاحب‌نظران اوج شاعری اخوان را در این سه کتاب می‌دانند، با بررسی عنوان‌های سه کتاب مذکور و مقایسه آنها با کتاب‌های دیگر اخوان به این نتیجه می‌رسیم که وی در نام‌گذاری سروده‌هایش هم در این سه کتاب، در اوج است.

## پی‌نوشت

۱. رئالیسم به معنی واقع‌نمایی است. رئالیسم، مکتبی ادبی- هنری است که در اواسط قرن نوزدهم میلادی در اروپا و امریکا رواج یافت. این مکتب واکنشی در مقابل رمانتیسم بود که مکتبی درون‌گراست. رئالیسم مکتبی عینی و بیرونی بود که بر بیان واقعیت‌های جامعه تأکید داشت (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۴۱۳).

۲. سورئالیسم یا فراواقع‌گرایی، یکی از جنبش‌های معروف هنری در قرن بیستم است. سورئالیسم محصول تغییرات بعد از جنگ جهانی اول و فراموشی دادائیسیم بود که از سال ۱۹۲۱ آغاز شد. ظهور سورئالیسم زمانی بود که نظریه‌های فروید، روان‌شناس اتریشی، درباره‌ی ضمیر ناخودآگاه و رویا و سرکوب، فرهیختگان اروپا را به خود مشغول کرده بود. آیین اصلی سورئالیسم بر این اصل استوار است که جهانی واقعی‌تر از جهان عادی وجود دارد و آن جهان ناخودآگاه است (همان: ۷۱۸).

۳. رمانتیسیم نهضتی در هنر و ادبیات بود که در قرن هجده میلادی شکل گرفت. رمانتیسیم، مکتب بسیار پیچیده و آشفته‌ای است. در واقع جمع‌اضداد و آمیزش انواع مختلف ادبی است. برنامه‌ی رمانتیک‌ها، برنامه‌ی مبارزه است که نوعی آزادی‌خواهی در هنر را می‌طلبد (همان: ۱۷۸).

## منابع

- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۶۹)، *در حیاط کوچک پاییز در زندان*، چاپ دوم، تهران، بزرگ‌مهر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۷)، *زمستان*، تهران، زمستان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، *ارغنون*، تهران، زمستان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۰)، *از این اوستا*، چاپ پنجم، تهران، مروارید.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۶)، *ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم*، چاپ پنجم، تهران، مروارید.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۷)، *زندگی می‌گوید؛ اما باز باید زیست*، تهران، توکا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، *آخر شاهنامه*، چاپ دوم، تهران، زمستان و مروارید.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، *فرهنگ بزرگ سخن*، جلد هفتم، تهران، سخن.
- بخیت، فاطمه (۱۳۹۲)، *بررسی تطبیقی دلالت «عنوان» در شعر شش شاعر فارسی و عربی معاصر (نیما، شاملو، شفیعی‌کدکنی، سیاب، مقالح و درویش)*، استاد راهنما سعید بزرگ‌بیگدلی، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۵۴)، *نقد آثار شاملو*، چاپ سوم، تهران، چاپار.
- رحمانی، نصرت (۱۳۸۰)، *خدا غم را آفرید؛ نصرت را آفرید*، به کوشش مهدی اخوان لنگرودی، تهران، ثالث.
- رحیم، عبدالقادر (۲۰۱۰)، *علم‌العنوییه دراسة تطبیقیه، دمشق، دارالتکوین للتألیف و الترجمة و النشر*.
- سپهری، سهراب (۱۳۷۶)، *هشت کتاب*، چاپ نوزدهم، تهران، طهوری.
- سیدحسینی، رضا (۱۳۷۶)، *مکتب‌های ادبی*، ویرایش دوم، جلد اول و دوم، تهران، نگاه.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *حالات و مقامات م. امید*، تهران، سخن.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶)، *زمینه اجتماعی شعر فارسی*، تهران، زمانه و اختران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳)، *ادوار شعر فارسی*، چاپ دوم، تهران، سخن.

- عویس، محمد (۱۹۸۸)، *العنوان فی الأدب العربی (النشأة و التطور)*، مصر، مكتبة الانجلو المصریه.
- فرخ‌زاد، فروغ (۱۳۷۷)، *دیوان اشعار*، با مقدمه بهروز جلالی، تهران، مروارید.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۷)، *ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد*، چاپ دوازدهم، تهران، مروارید.
- قزایی، یدالله (۱۳۷۰)، *چهل و چند سال با اخوان*، تهران، بزرگ‌مهر.
- کریمیان، کاظم (۱۳۸۵)، *سیر تحول در شعر امروز (خاصه‌ها و شناسه‌های رفتاری)*، تهران، فیروزه و مروارید.
- گرچی، مصطفی و افسانه میری (۱۳۸۸)، «بررسی و تحلیل نام‌های اشعار قیصرامین پور»، *جستارهای ادبی*، دوره ۴۲، ش ۴ (مسلسل ۱۶۷)، ۷۹-۱۰۴.
- لاهوتی، ابوالقاسم (۱۳۵۸)، *دیوان اشعار*، با کوشش و مقدمه احمد بشیری، تهران، امیرکبیر.
- لنگرودی، شمس (۱۳۷۰)، *تاریخ تحلیلی شعر نو*، جلد اول، تهران، مرکز.
- محمدی‌آملی، محمدرضا (۱۳۸۰)، *آواز چگور؛ زندگی و شعر مهدی اخوان ثالث (م/امید)*، تهران، ثالث.
- مداس، احمد (۱۹۹۸)، *لسانیات النصّ نحو منهج لتّحلیل الخطّاب الشعری*، اردن، جدار الکتب، عالم الکتب.
- معین، محمد (۱۳۷۷)، *فرهنگ معین*، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- یحیوی، رشید (۱۹۹۸)، *الشعر العربی الحدیث دراسته فی المنجز النصّی*، بیروت، افریقیا شرق.
- یوسفی، غلام‌حسین (۱۳۶۹)، «زمستان امید»، *کلک*، شهریور، ش ۶، ۱۶-۲۱.
- یوشیج، نیما (۱۳۷۶)، *مجموعه شعرهای نیما یوشیج*، با نظارت شراگیم یوشیج، تهران، اشاره.
- Frry, anne. (1990), *the title to the poem*, San Fransisco: Stanford university press.
- Genette, Gerard. (1987), *seuils*, ed. Du seuil, Paris.
- comprubi, Joesp besa. (2002), *les fonctions du titres*, presses universitaires de Limoge, French.
- Leo, H.Hock. (1981), *la marque du titre*, dispositifs sémiotiques d'une pratique textuelle, Mouton publishers, the hague, Newyork, paris.